

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۲۲ اکتوبر ۲۰۲۱



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

(۳۹)

مرگ خورشید

در شهر مرده تن
از مرز تا به مرز
دریای سردِ ظلمتِ شب موج می زند
غول سیاه منظر
چون مرزبان پیر
این پاسدارِ تیره بیداد
با چشم‌های دوزخی و پیکرِ درشت
بر صخره‌های کوه ستم، تکیه کرده است
دروازه‌های شب به رخ نور، بسته است
در شهر مرده تن

ابرِ سیاهِ بیم
 در آسمانِ وحشتِ دم‌کرده سکوت
 گسترده دامنش
 خَفَّاشِ کور و هم
 بر بامِ کهنه ای برجِ شبستان نشسته است
 گوئی ستارگان همه در خواب رفته اند*
 * خورشید مرده است
 در شهرِ مرده تن
 از بس وزیده صرصرِ پائیزِ اضطراب
 افسرده گشته شعله رنگِ رُخِ گلاب
 پُر گشته جامِ سینه خونین غنچه‌ها
 از موجِ زهرِ نفرتِ دیرینه سراب
 دیری‌ست بر لبِ همه گل‌ها شکسته است
 فریادِ آبِ آب!
 در قلبِ نازکِ گلِ پژمرده امید
 از بس‌که خارِ یأسِ فروبرده نیشِ کین
 خون می‌تراود از رگِ گلبرگِ آرزو
 گوئی‌که رنگِ سبزِ طراوت پریده است
 از چشمِ جست و جو
 بیدادِ خشمِ باد
 پیوندِ ریشه‌های گل و قلبِ خاک را
 از هم گسسته است
 پیچیده مویِ پیچکِ تردیدِ مبهمی
 بر ساقه‌های خم‌شده لالهٔ یقین
 گوئی‌که سالها ست
 بارانِ تلخ و سوسه باریده بر زمین
 گوئی سبک نشسته غبارِ سیاهِ مرگ
 اندر جبینِ روشنِ تصویرِ زندگی
 کاین‌گونه بیصدا
 قلبِ صفای آئینه در هم شکسته است!

زنده یاد داوود سرمد: ۱۵ جدی ۱۳۵۳ خورشیدی «سرمد»

*گوئی ستارگان همه در خواب رفته اند

*خورشید مرده است هر دو مصرع از شعر جادوگران شب